

خبر

بازار صعودی سکه و ارز در انتظار اعلام رسمی نامزدها

● **شرق:** از صبح دیروز بازار ارز و سکه بعد از چند روز آراش، یکبار دیگر با افزایش قیمت و خریدار مواجه شد. رشد قیمت‌ها که به دلیل افزایش اونس جهانی و نامشخص بودن نامزدهای انتخاباتی بود، مشتربان را به بازار کشاند. صبح روز گذشته در میدان فردوسی معاملات دلار آمریکا با ۳۵۱۰ تومان آغاز شد و در میانه روز یکباره قیمت‌ها تا ۲۴۵۰ تومان هم افزایش پیدا کرد. در همین حال، افزایش جهانی هر اونس طلا موجب شد قیمت سکه به یکمیلیون و ۲۷۰ هزار تومان نیز برسد. پیش‌بینی‌ها درخصوص افزایش قیمت طلا در روزهای آینده موجب حضور مشتریان و افزایش خریدها شد. در عین حال صرافان در انتظار اعلام نتایج رأیند و ردصلاحیت‌کنندهای ریاست‌جمهوری بودند تا رأیند تثبیت‌شدهای در بازار ایجاد شود. هفته گذشته با ثبت‌نام آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی برای یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، قیمت دلار تا ۱۲۰ تومان کاهش یافت. با وجود آنکه خریداران در بازار حضور داشتند و البته بیشتر متقاضی سکه بودند، اما صرافان در انتظار اعلام نتایج تأییدصلاحیت‌ها بودند. دیروز فعالان بازار اعلام کردند که حتی اگر اعلام نام هاشمی‌رفسنجانی و تأییدصلاحیت ایشان تأثیر کاهشی در روند قیمت‌ها نداشته باشد، می‌تواند موجب ثبات شود. آخرین اخبار از بازار ارز حاکی است که هر دلار آمریکا در پایان مبادلات روز گذشته ۳۵۲۰ تومان معامله شد. یکی از فروشندگان، گفت: «با وجود آنکه کاهش قیمت دلار مستلزم تزریق دلار به بازار است و به نظر می‌رسد این منابع موجود نباشد، اما تأثیر روانی خود را بر بازار خواهد داشت و موجب تعدیل قیمت‌ها می‌شود.»

تجارت نفت رونق می‌گیرد

● **فارس:** با انجام مذاکرات ایران و کشورهای حاشیه خزر، عملیات سوآپ نفت خام از نیمه دوم سال جاری از سر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد با شروع مجدد این عملیات وضعیت تجارت نفت ایران روزها و شرایط بهتری را به خود ببیند. پس از توقف عملیات سوآپ نفت خام از دو یا سه سال گذشته، تاکنون ایران به دنبال انجام مجدد این عملیات دوسر برد است که به نظر می‌رسد با مذاکراتی که بین برخی از مسوولان صنعت نفت و کشورهای حاشیه دریای خزر انجام شده است، عملیات سوآپ در نیمه دوم سال جاری با انتقال روزانه تا ۵۰ هزار بشکه نفت خام این عملیات از سر گرفته شود.

سود میلیاردی واردات دارو به جیب چه کسانی می‌رود؟

● **ایسنا:** آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد که قیمت داروهای وارداتی در فروردین‌ماه امسال، نسبت به مدت مشابه در سال قبل بیش از ۴۴درصد کاهش یافته است. با وجود این کاهش، شاهد افزایش سرسام‌آور قیمت انواع دارو در بازار هستیم. تازه‌ترین آمار گمرک ایران حاکی از آن است که در فروردین ۱۳۹۲ بالغ بر ۵۴۹هزار تن انواع محصولات دارویی به ارزش ۳۴میلیون و ۲۴۴هزار و ۵۰۷ دلار وارد کشور شد. با تقسیم این دو عدد بر یکدیگر می‌توانیم نتیجه بگیریم که قیمت هر تن محصول دارویی وارداتی در نخستین ماه سال جاری چیزی در حدود ۶۲هزار و ۲۹۷ دلار بود. این در حالی است که قیمت هر تن داروی وارداتی در فروردین پارسال ۱۱۱هزار و ۹۲۷ دلار بود. حتی اگر هزینه ریلی واردات محصولات دارویی را نیز محاسبه کنیم این هزینه در فروردین امسال نسبت به مدت مشابه در سال قبل، کمتر از ۱۲ درصد افزایش یافته است.

احتمال افزایش قیمت مرغ

● **ایسنا:** با توجه به نزدیک‌شدن به ماه رمضان مجموع مرغ ذخیره‌شده توسط شرکت پشتیبانی امور دام ۶۸هزار تن است که با قیمت هر کیلو ۵۳۰۰تومان توسط این شرکت خریداری می‌شود. عباس پیشمر،فروش، معاون بازرگانی داخلی شرکت پشتیبانی امور دام از احتمال افزایش قیمت مرغ خبر داد و گفت: روند ذخیره‌سازی مرغ با توجه به نزدیک‌شدن به ماه رمضان بسیار مثبت است.

برداشت بی‌اجازه دولت از صندوق توسعه ملی

● **فارس:** رئیس کمیسیون تلفیق یا بیان اینکه برای مشخص‌شدن تغییرات ساختاری بودجه، باید ارقام پیشنهادی دولت و مجلس مقایسه شود، گفت: دولت مدعی شد بدهی بدون اجازه قانونگذار ایجاد نمی‌کنند؛ در صورتی که ۲۵/۵میلیارد دلار از صندوق توسعه برداشت کرد. غلام‌رضا مصباحی‌مقدم، بیان اینکه بندهای غیربودجه‌ای در لایحه بودجه سال ۹۶ کل کشور حذف شده، گفت: در این میان بخشی از خواسته دولت نیز تأمین شده است، وی با بیان علت حذف بندهای غیربودجه در لایحه گفت: در بودجه قانونی یک‌ساله می‌توانیم و نمی‌سود، یعنی باید جنبه بودجه‌ای داشته باشد؛ رئیس کمیسیون تلفیق مجلس با اشاره به اینکه پس از پایان تصویب، تمام آن بندها طی یک لایحه تقدیم مجلس شد، تصریح کرد: در این میان بندهای جدیدی را که کمیسیون اصل ۴۴ مجلس و حمایت از تولید ملی پیشنهاد کرده بود در لایحه بودجه حذف کرد؛ این اقدامات به دلیل حمایت از تولید ملی و حساسه اقتصادی بوده است. رئیس کمیسیون تلفیق مجلس گفت: اینکه گفته می‌شود ساختار بودجه تغییر کرده باید با اعداد و ارقام مجلس و دولت مقایسه کنیم که آیا تغییری کرده یا خیر. دولت احمدی‌نژاد می‌گوید هر لایحه‌ای را من می‌دهم بدون تغییر تصویب و به دولت بر گردانید؛ پس مجلس را تعطیل کنید.

شرق: محضر گرمی دارد. نمی‌شود ساعتی با او نشست و خاطرهای بانمک از او نیاموخت. اما سخت‌مصاحبه است. منبر و خطابه‌باز خوبی است اما حتما باید وسط جملاتش ورود کرد و بحث را به دست گرفت وگرنه «شمس‌اردکانی» توانایی این را دارد یک ساعت یک‌نفس سخن بگوید. پرسیدم آقای دکتر چرا بخش خصوصی فقط سروصداست و نمی‌تواند حق و سهم خود را از دولت بگیرد؟ زد به دل تاریخ و از هفتاد سال اقتصاد دولتی ایران سخن گفت. در ابتدا سوال این بود شما از مدافعان افزایش قیمت بنزین بودید، با این وضعیت پیش آمده باز هم از نظرات خود دفاع می‌کنید؟ گفت:وگو با رییس «دفتر انرژی» اتاق بازرگانی ایران در دفتر سندیکای برق ایران صورت گرفت.

۴ سال ۸۸ در گفت‌وگوی، مهم‌ترین اتفاق اقتصادی ایران را به روز و بازاری کردن قیمت حامل‌های انرژی برشمردید. آنجا

معتقد بودید که بهترین راه کاهش مصرف سوخت، اعمال سیاست قیمتی است اما این اتفاق هم رخ داد و باز روند رشد مصرف، صعودی شده است و ضمن اینکه تخصیص منابع آنگونه نشد که تولیدکنندگان و حتی مصرف‌کنندگان راضی باشند. هنوز به نظر تان سیاست قیمتی برای کنترل مصرف بنزین درست است؟ یا درست بود؟ نقطه کلیدی بحث من این بود که نفت و گاز و حامل‌های انرژی، سرمایه هستند و باید درآمد حاصل از آن در حساب سرمایه ریخته شود، درآمد بالاترین قیمت برای کاهش مصرف، یک طرف داستان بود مهم اما این بخش حساب سرمایه بودنش بود. من هرگز نگفتم پول «پارانه» را این‌طوری توزیع کنند. این مدل که اجرا شد مثل این است که آب را بریزید توی رنگ بیابان. همان‌جا هم گفته بودم که قیمت بنزین ترکیه ۱۰ برابر ایران است حالا جنس ترک باز ایران را پر کرده یا جنس ایرانی بازار ترک را پر کرده است؟ همان موقع ما می‌گفتیم ارزان فروشی سرمایه، اشتباه است. مکانیسم افزایش قیمت بنزین با سازوکارهای دیگری است که ما فکر کرده بودیم آنها در دست است. وقتی بچه را صبح زود از خواب ناز بیدارش می‌کنی که برود مدرسه، اگر فکر نیست برود مدرسه خب بگزار بخواید.

۴ وگو با بچه نرفت مدرسه...

(می‌خندد) پیشنهاد ما در اتاق این بود که در سال ۵۰، ۵۰درصد درآمد حاصل افزایش قیمت حامل‌های انرژی را بدهیم به تولید، ۵۰درصد بقیه را نصفش را بدهیم به نیازهای بین نسلی... چون سرمایه ملی سرمایه‌ای بین نسلی است. مثل مدرسه و دانشگاه، آدم پرورش بدهیم. ۵درصد هم بین مردم تقسیم کنیم که آن هم باید بین دهک‌های پایین توزیع می‌شود. بعد هر سال پنج‌درصد از اینها کم کنیم بدهیم به تولید تا بعد از پنج سال به صد برسیم. ولی این‌طوری نشد و سرمایه ملی ایران هدر رفت و موجب خوشحالی دشمنان ما شد. هدف تحریم‌ها کاهش اشتغال، ایجاد نارضایتی و ناکارآمدسازی سیستم بود. در ایران بود که با بی‌تدبیری داخلی، بخشی از اهداف آنان برآورده شد. رهبری گفته بود ما ۱۴۰۴ می‌خواهیم اول منطقه در اقتصاد و پیشرفت باشیم با این مدلی که اینها رفتار کردند برخلاف خواست و اراده ایشان عمل شد. البته این مشکل، ریشه تاریخی دارد. ریشه‌اش همین است که پول نفت، در واقع درآمد سرمایه دست دولت است. وقتی قانون برنامه در سال ۱۳۳۷ تصویب شد یک عده‌ای دنبال این بودند که در عرض هفت سال کل درآمد نفت را تخصیص دهیم به سازمان برنامه که پروژه‌های عمرانی را انجام دهد. این مسأله مصادف شد با نهضت ملی‌شدن نفت و اولویت ملی‌شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گرفت و این آرزو که کل درآمد نفت را به حساب سرمایه ببریم محقق نشد. دولت ملی هم چگونگی سرمایه‌گذاری از پول نفت را زیاد جدی نگرفت.

۴ البته خب بخش عده‌ای از دولت ملی مصادف شد با تحریم خرید نفت ایران...

بله دولت ملی اصلا خبر نداشت که ما را از بازار نفت بیرون کردند و دنیا شش ماه آخر، دیگر در مذاکرات جدی‌اش نمی‌گرفت. وقتی ما شرکت ملی نفت ایران را در دست کردیم، شد شرکت نفت دولتی ایران که حق داشت درآمد نفت را در دست بگیرد و به دولت بدهد تا خرج ابتدای روزانه‌اش کند. در واقع ما نفت را «ملی» نکردیم «دولتی» کردیم. اگر اوراق مشارکت شرکت ملی نفت بین مردم توزیع می‌شد و چهارمیلیون ایرانی سهامدار شرکت نفت می‌شدند کودتا موفق نمی‌شد. بعد هم شرکت نفتی که چهارمیلیون سهامدار داشته باشد می‌دانست چطور باید منافعش را حداکثری کند و نمی‌گذاشت نفت ایران سه سال تحریم شود. بعد از کودتا، ۱۸ ماه طول کشید تا اولین محموله نفتی ایران دوباره صادر شد. کویت و عراق و ونزولاز جای ایران را گرفته بودند. از این روز، دولت آیزنهاور هر ماه ۱۰ میلیون دلار صدقه‌سری می‌داد به دولت زاهدی که سریا می‌ماند متأسفانه الان باز ما را بازار نفت دنیا خارج کردند و تا ۱۰ سال دیگر هم بر نمی‌گردیم. پول نفت هم دیگر به اندازه کافی وجود ندارد.

۴ دولت احمدی‌نژاد در دور اول سیاست تثبیت قیمت‌ها را داشت حتی مجلس که افزایش قیمت بنزین و گازوئیل را تصویب کرد مخالفت کرد و اجرا

اقتصاد

شمس‌اردکانی در گفت‌وگو با «شرق»:

این یارانہ نقدی، آب ریختن به بیابان است

مهدی افشارنیک



نکرد اما در دولت دوم که دچار کاهش درآمدهای نفتی شد رو به سیاست افزایش قیمت حامل‌های انرژی آورد، فکر نمی‌کنید این تئوری سیاست قیمتی که شما و اقتصاددان‌های بازار گرا دنبال می‌کردید این فضا را برای دولت مهیا کرد؟ از حرف خوب که همه‌جا و اوقات سوءاستفاده شده است. باید مجلس نظارت می‌کرد که قانون، درست اجرا شود. باید جلویش را می‌گرفت که نگرفت. الان خودشان از همه بیشتر تاراجتند. خب از روز اول باید فکر این روزها را می‌کردید اگر ۳۰درصد سهم تولید را داده بود و سالانه ۱۰درصد را اضافه کرده بود الان رسیده بود به ۶۰درصد. اثرات تئوری امروز را هم نداشتیم. بنده می‌گویم بد عمل کردن یک کاری موجب زیر سوال رفتن اصل و فلسفه آن کار که نمی‌شود. می‌شود؟ به نظر شما؟

اما توجهی به این نشد که صنعت و تولید در ایران خیلی پر مصرف است. همین خودروهایی که تولید می‌کنیم بالای ۱۰لیتر مصرف سوختشان است.

این‌ها حرف‌هایی است که ما همان موقع زدیم. **۴ کمتر زدید. بیشتر بر افزایش قیمت تاکید داشتید.** شما بروید توی سایت «اتاق بازرگانی» ببینید که مقالاتش موجود است.

۴ بحث من تاکید و تمرکز است.

شما روزنامه‌نگار ما معذورت دارید در چاپ کردن همه حرف‌ها.

۴ آخر این از جنس مسایلی نیست که شامل محدودیت باشد. قبل از آن شما مراجعه کنید ۵درصد هم بین مردم تقسیم کنیم که آن هم باید بین دهک‌های پایین توزیع می‌شود. بعد هر سال پنج‌درصد از اینها کم کنیم بدهیم به تولید تا بعد از پنج سال به صد برسیم. ولی این‌طوری نشد و سرمایه ملی ایران هدر رفت و موجب خوشحالی دشمنان ما شد. هدف تحریم‌ها کاهش اشتغال، ایجاد نارضایتی و ناکارآمدسازی سیستم بود. در ایران بود که با بی‌تدبیری داخلی، بخشی از اهداف آنان برآورده شد. رهبری گفته بود ما ۱۴۰۴ می‌خواهیم اول منطقه در اقتصاد و پیشرفت باشیم با این مدلی که اینها رفتار کردند برخلاف خواست و اراده ایشان عمل شد. البته این مشکل، ریشه تاریخی دارد. ریشه‌اش همین است که پول نفت، در واقع درآمد سرمایه دست دولت است. وقتی قانون برنامه در سال ۱۳۳۷ تصویب شد یک عده‌ای دنبال این بودند که در عرض هفت سال کل درآمد نفت را تخصیص دهیم به سازمان برنامه که پروژه‌های عمرانی را انجام دهد. این مسأله مصادف شد با نهضت ملی‌شدن نفت و اولویت ملی‌شدن صنعت نفت مورد توجه قرار گرفت و این آرزو که کل درآمد نفت را به حساب سرمایه ببریم محقق نشد. دولت ملی هم چگونگی سرمایه‌گذاری از پول نفت را زیاد جدی نگرفت.

من هم یک جا نگفتم که پول نفت و بنزین را این مدلی توزیع کنیم. متأسفانه این سری هم نتوانستیم بودجه را غیرنفتی‌اش کنیم و اساس بودجه بر این قرار است. میزان صادرات نفت ضریرسر قیمت نفت ضریرسر قیمت دلار و این هم تبدیل به رمال.

ما همان سال برای شروع هدفمندی مجلس که رفته بودیم، همین‌ها را گفتیم که تخصیص درآمد سرمایه باید به حساب سرمایه برود. مجلسی‌ها هم موافق بودند می‌گفتند ۵۰درصدش را بدهیم به حساب سرمایه. ولی خبه آقایان وقتی شما همان ماه اول دیدید که درآمد به حساب سرمایه نرفت، باید جلویش را می‌گرفتید. باید نامه می‌نوشتید به مقام‌عظم‌هبری که «آقا» داستان اینطوری است و اینها دارند خراف انجام می‌دهند. آقایان مجلسی... چرا شما ایستادید، تماشا کردید؟ هدفمندی رایشانه را برنامهای می‌دانستیم برای حصول به ایران چشم‌انداز ۲۰ساله، حصول به ایران ۱۴۰۴. اما وقتی رفیقمان می‌گوید من برنامه را قبول ندارم چه باید کرد؟ باید مثل خودش و وی می‌گفتند تو چه کارای که برنامه را قبول نداری؟

۴ پس قبول دار بد سیاست افزایش قیمت بنزین در ایران شکست خورد؟

سیاست افزایش قیمت بنزین در هزینه‌کردن شکست خورد. چرا؟ چون درآمد حاصل از هدفمندی به حساب سرمایه نرفت و ریخته شد در بیابان.

۴ به سال ۸۸ برگردیم باز هم همین توصیه‌ها را دارید؟

مگر ما حرف بدی زدیم؟ بد اجرا شد.

۴ خب الان به خاطر گران‌شدن ارز باز باید بنزین گران شود تا به قیمت «قوب» خلیج فارس، نزدیک شود.

باید این را به صورت یک «پکیج» دید تا افزایش دهیم و بعد آن را باید ببریم در حساب سرمایه، نه اینکه بریزیم در بودجه جاری و خودپر باز مردم. این بعد از یک دوره زمانی تبدیل می‌شود به «تولید ناخالص ملی» و «اشتغال». بنابراین مای‌گویم که قیمت‌های حمل‌های انرژی را به قیمت‌های مناسب برسانید و آن را در حساب

سرمایه بریزید تا تولید ملی رشد کند.

۴ پس باز توصیه به افزایش قیمت می‌کنید؟

خدا کند این سری که گران شد پول به جای درست هدایت شود و به تولید برسد. برای پایین آوردن مصرف هم که شما مطرح می‌کنید، من چهار سال پیش مقاله‌اش را نوشتم که بایاید با تولیدکننده‌های لوازم انرژی‌بر وارد مذاکره شوید که مثلا یکمیلیون ماشین لباس شویی تولید کن اما مصرف انرژی‌ات را از B برسان به A. بعد هم به مردم قسطی بفروشیم. اینطوری هم به مردم کمک شده است هم مصرف انرژی کشور را پایین‌تر آوردیم. من فرمول این را درآوردم و با وزارت صنایع چند جلسه گذاشتم اما آخر سر فهمیدم اینها اصلا از خودشان اختیاری ندارند و مدام دور خودشان می‌چرخند. الان هم معتقدم اگر دوباره می‌خواهیم بنزین را گران کنیم چون در دور اول سهم تولید را ندادیم، برگردیم به همان فرمول، یعنی نصف درآمد را بدهیم به تولید نه ۳۰درصد آن را. سالی هم ۱۰درصد به سهم تولید اضافه کنیم. اینکه مردم فقیرند به خاطر این است که تولید ندارند.

۴ الان باز هم برای توجیه قیمت آن مثال معروف‌تران می‌زنید که آب معدنی قیمتش بیشتر از بنزین است؟

بله. الان ۹ لیتر آب معدنی اگر گفתי چند است؟ سه هزار و ۹۰۰ تومان. ۹ لیتر بنزین هم تقریبا این قیمت است.

۴ تا وقتی مصرف انرژی صنایع از سویی بالاست و از طرفی هم میل مردم برای دریافت پارانه بالا و بالاتر از همه این موارد مسأله قیمت انرژی... این چرخ همین‌طوری می‌چرخد و افزایش قیمت تورم حرکت در اقتصاد نمی‌شود و مانند کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۴۰ مدام باید قیمت بنزین را افزایش داد.

شما خلط میحث می‌کنید مسا می‌گوییم چون این نفت و گاز و بنزین سرمایه است وقتی

می‌خواهید بفروشید هم باید به حساب سرمایه ریخته شود. اما اگر یک نفر درست پول را خرج نمی‌کند این توجیه آن نیست که مال را آتش بزنیم. چون او بلد نیست و نمی‌تواند خوب خرج کند آن یک تلاش دیگری می‌طلبد اما مال را هم نباید ریخت در جوی یا ریگ بیابان. **۴ مسأله مهم دیگر توش بخون خصوصی و اتاق بازرگانی است. بخش خصوصی ایران فقط سر و صدایش زیاد است اما قدرت لازم را ندارد و گرنه سهم خودش را از دولت می‌گرفت.** دست و پایش را بستند بعد می‌گویند شما هم حرف‌هایی می‌زنید. از زمان قبل از انقلاب دست بخش خصوصی را بستند. اگر می‌خواهیم بخش خصوصی درست راه بیندازیم باید مثل ماهاتیر محمد عمل کنیم. ما هیچ راهی نداریم اقتصاد با هر اسمی غیر از تولید و کار و کوشش فقط یک اقتصاد رجوی و تئوری است.

۴ خب با این جایگاه که تضمینی وجود دارد که در این مرحله افزایش قیمت بنزین بتواند همش را بگیرد؟ باز گران تر می‌شود و بخش خصوصی بی‌صیب. آقا جان، اینها می‌گویند بخش خصوصی، بخش خصوصی... به ما می‌گویند بایبید در فروش نفت به ما کمک کنید بعد ما فرمول می‌دهیم که چه و چه باید کرد فرمول را از ما می‌گیرند می‌دهند به یکی که پول نفت مملکت را برداشته، رو کرده و رفته است.

۴ فرمولتان چه بود؟

ما گفتیم اینهایی که از دولت به‌طور کلی در همه بخش‌ها طلب دارند حدود ۴۰میلیارد دلار است. گفتیم به جای طلب به اینها نفت بدهید که بروند در بازارهای جهانی بفروشند. کم‌کم هم بدهید مثلا از روزی ۳۰هزار بشکه شروع کنید اگر دیدید توانمند شد بیشتر بهش بدهید.

۴ فروش نفت خیلی پیچیده است اینطوری که شلخته بازار می‌شود...

هیچ هم نمی‌شد. الان این دلال‌ها که دست سوم نفت ایران را معامله می‌کنند مگر کی هستند؟ از مرخ نفت ایران یک کسی که برای وزارت نفت توانستد اینقدر کار کند دوهزارمیلیارد تومان طلبکار است حتما

اینقدری هوش و سوادش را دارد که نفت هم بفروشد. البته اگر بگذارد.

۴ کسی که طلب دارد برای کار پیمانکاری‌اش طلب دارد، فروش نفت خیلی تخصصی است.

ببین متوسط هوش آدم‌های پیمانکار و بخش خصوصی درجه یک ما از متوسط هوش کارمندهای شرکت نفت قطعا بالاتر است این را حتما لحاظ کن. بحث سواد هم خیلی مهم است. یک نفری را فرستاندن برود رییس لوپک شود که انگلیسی بلد نیست، از راست به چپ می‌خواند بعد تو بین افشارا... همین آدم تصمیم می‌گرفت که نفت ایران را کی بفروشد کجا بفروشد و چه وجه. من می‌می‌گویم کسی که «استکر» بالایشگاه می‌سازد بدون شک می‌تواند پیچیدگی فروش نفت را هم مدیریت کند. ضمن اینکه طلبش را از دولت می‌گیرد. اگر شما طلب این را ندهید سال دیگر این نمی‌تواند استکر بسازد و باید یک خارجی بایاد برآینان بسازد.

۴ به هر حال، سرمایه ملی را نمی‌شود به راحتی دست کسی داد.

بله حتما باید از کسی که می‌خواهد نفت بفروشد اسناد مثبته گرفته شود و از اول محموله‌های کوچک تحولیش داد تا بعد که رشد کرد بیشتر بتواند معامله کند.

۴ قبول کنید فساد انگیز می‌شود مگر اینکه یک شکل منسجم و سازمان داده شده باشد.

الان اینطوری شده که یک عده پول نفت را می‌برند در حساب‌های خودشان یک عده هم در داخل از دولت طلب دارند. کارخانه صفا که لوله‌های نفت و گاز را می‌سازد هفت‌هزار نفر نیرو دارد، اما شش ماه نتوانسته حقوق بدهد.

۴ خب اینکه سازوکار دیگری دارد نه اینکه فروش نفت را بدهیم دست بخش خصوصی فقط چون از دولت طلب دارد.

من می‌گویم بروس نفت را بدهیم به همین شرکت‌ها. **۴ همین اسناد مثبته که اشاره کردید، الان ما شرکتی داریم که بتواند ضمانتنامه یک نفتکش را بدهد؟**

نه نداریم. بانک‌ها هم نمی‌توانند اصلا چنین ضمانتنامه‌ای را صادر کنند. الان اگر کسی باشد که به اندازه قیمت یک نفتکش ملک و سند در شیرمان داشته باشد و بخواهد ضمانتنامه از بانک بگیرد، نمی‌تواند. چون بانک فقط ضمانتنامه ریالی بلد است صادر کند و این را بلد نیست که تبدیل به ضمانتنامه دلاری کند. اما حرف من این است که دولت به اینها بهدکار است و دیگر ضمانتنامه نمی‌خواهد. شما به این بدهی داری که جای بدهی‌هایت به اینها نفت بده.

۴ همه اینها که طلبکارهای وزارت نفت نیستند، از دولت طلب دارند.

بله این ۴۰میلیارد دلار از دولت است. نفت که برای وزارت نفت نیست که...

۴ اما این وزارت‌تخانه باید بدهی دیگر بخش‌ها را بدهد؟

درآمد نفت می‌رود در خزانه کشور. همین خزانه هم به این شرکت‌ها، بهدکار است. خب بجای بدهی‌شان نفت تحویلشان می‌دادید الان از دل اینها یک چند تا معامله‌گر نفتی خوب درمی‌آمد که برای کشور سرمایه بود تحریم‌ها را هم با این روش بهتر می‌شد روز. زد. اینها که بهتر از...! هستند.

۴ البته وزارت نفت، معامله با این آقا را تکذیب کرد. آنکه مجبور بود این آقا را بکند. من می‌دانم که حداقل ۳۰۰میلیون دلار را بالا کشیده همین آقا. شما که با این آزمایش کردید، با طلبکارهای خودت هم این کار را می‌کردی. دولت اجازه قانونی دارد که بدهی‌هایش را با اموالش متعادل کند. این چیزی که من می‌گویم اصلا غیرقانونی نیست.

۴ تا سخن شما این است که چرا به این آقا نفت دادید به ما ولی ندادید، این‌طور نیست؟

نه من می‌گویم که شما بهدکار بودی و باید این بدهی‌ها را پرداخت می‌کردی. قانون هم به‌نشان این اجازه داده است که بدهی‌ها را با اموالش تهاتر کنی. خب از نفت چه اموالی بهتر؟ اینها نشنستند که نفت را بفروشد دلاش را به رمال تبدیل کنند، بعد به طلبکاران بدهند که نه آن را دادند نه خود نفت را. شما تعجب نمی‌کنید که بالاترین بدهی‌های دولتی در بخش انرژی کشور است؟! یعنی تمام شرکت‌هایی که برای نفت و نیرو کار می‌کنند باید زمین بخورند. مثل اینکه یک دستی در کار باشد. آقا بعضی می‌خواهند کاری کنند که خوشحالی آتاتورک‌ها، وهاب‌ی‌ها و صهیونیست‌ها بیشتر بشود.

۴ اصلا خود صادرات نفت این روزها مسأله مهمی شده است. به نظر تان این میزان که در بودجه آمده است می‌توانیم صادرات کنیم؟

شاید بتوانیم. اما مهم این است که بتوانیم پولش را بگیریم و به داخل بیاوریم. فکر کنم نهایت روزی ۵۰۰هزار بشکه را بتوانیم پولش را بگیریم. این در حالی است که قرار بود ۱۴۵درصد از درآمد نفت به خود شرکت نفت اختصاص یابد. با این میزان درآمد که وزارت نفت نمی‌تواند خرج توسعه بکند. هزینه جاری چاههای نفت هم در نمی‌آید، بعد اگر این هزینه صورت نگیرد افت تولید خیلی بیشتر از زمانی است که به طور معمول شما افت دارید.

امامه در صفحه ۶

سرگشاده

رکود تورمی میراث یزرگ دولت



● **برای گذر از شرایط کنونی، نیاز به اجرای یک برنامه گذار و دو برنامه بودجه‌ای است تا پس از آن بتوان در مسیری قرار گرفت که به سمت جایگاه و موقعیتی که در سال ۸۴ داشتیم، حرکت کنیم.** دولت آتی در ابتدای زملمداری خود باید به اصلاح ساختار در عرصه سیاستگذاری و اجرایی اقدام کند. کارنامه دولت نشان می‌دهد که در مواجهه و حل مسایل اقتصادی به خصوص از بین‌بردن رکود اقتصادی و کاهش تورم موفق نبوده است. اکنون مهم‌ترین چالش کشور رکود تورمی است. از یک طرف با کاهش اشتغال و از طرف دیگر با افزایش روزافزون قیمت‌ها مواجه هستیم. به نگاهی به این شرایط متوجه می‌شویم که بنا به دلایلی برخی در اختیار دولت بوده و برخی دیگر نه مباحث مربوط به تحریم‌های خارجی خارج از دست و اختیار دولت بوده، اما مواردی همچون خودتحریمی که در نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت به وجود آمده، از مولفه‌هایی است که در اختیار دولت بوده است. در این دوره با کاهش درآمدهای نفتی، تقلیل بودجه‌های عمرانی، بدهی‌های انبوه دولت به خصوص به سیستم بانکی، پیمانکاران و بانک مرکزی مواجه بودیم که مجموعه این موارد شرایط ایجاد کرده که دولت بعدی نمی‌تواند در مسیر سیاست گشاده‌دستی در زمینه بازتولید درآمدی حرکت کند، زیرا آهنگ سرمایه‌گذاری کاهش یافته و نرخ رشد اقتصادی نیز منفی شده است.

در شرایط سخت رکود تورمی افزایش حجم نقدینگی به شدت اقتصاد را آسیب‌پذیر می‌کند. ماهیت رکود تورمی طوری است که اگر قصد حل رکود را داشته باشیم، تورم را تشدید کرده و اگر بخواهیم مشکل تورم را حل کنیم، رکود اقتصادی دامن زده خواهد شد.

ثبات اقتصادی مهم‌ترین اولویت دولت

در دولت آینده هر رئیس‌جمهوری با هر مشرب سیاسی و اقتصادی که انتخاب شود، باید در ابتدای امر به دنبال ایجاد ثبات در اقتصاد کلان باشد که این موضوع مستلزم آن است که به سرای بخواهیم مشکل تورم را حل کنیم. رکود اقتصادی لازم برای پاسخگویی به بخش تولید را فراهم کنیم. برای این کار باید پس‌اندازهای عمومی و بانکی به سمت بخش تولید هدایت شود. در کام بعدی باید بر روی مسأله افزایش قیمت‌ها تمرکز کرد و بر روی آن تأثیر گذاشت تا بیش از این افزایش پیدا کند. این امر نباید به صورت دستوری باشد، بلکه نیاز به مدیریت دارد.

برای رسیدن به این کلیات و ایجاد ثبات اقتصادی و تأمین منابع برای تحول در بخش تولید باید سیاست‌های پولی و بانکی متناسب با این خواسته‌ها اتخاذ شده و بودجه‌های سالانه نیز با هدف افزایش فعالیت‌های اقتصادی و خروج از شرایط موجود حرکت کنیم. اصلی‌ترین سیاستی که دولت بعدی باید اتخاذ کند، ایجاد نظم و انضباط مالی و تقابلی است که باید به بی‌انضباطی‌های موجود پایان دهد. در این میان باید با بازنگری در سیاست‌های تأمین اجتماعی شرایطی ایجاد کنیم که مردم از بابت ناخجاری‌های موجود بهترین آسیب را ببینند.

هدفمندی وسیله‌ای که تبدیل به هدف شد

هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت‌های نقدی در ابتدای امر وسیله‌ای بود برای رسیدن به اهداف بزرگی از جمله صرفه‌جویی در مصرف حامل‌های انرژی از طریق اصلاح قیمت‌ها. در آن شرایط منابع حاصل از این اصلاح باید صرف بخش تولید می‌شد، اما این وسیله در دولت دهم خود تبدیل به هدف شد و پولی که کسب شد به جای آنکه صرف هزینه تولید شود، به سمت پرداخت‌های نقدی به مردم حرکت کرد. دولت آتی با توجه به وضعیت معاش و تورم و رکود اقتصادی جامعه، چاره‌ای جز ادامه پرداخت‌های نقدی ندارد و از بین‌بردن تنها روزه‌نه برای برخی گروه‌ها کار خطرناکی است. این روند با واقع موجود باید ادامه پیدا کند اما شرایط اقتصادی کشور به گونه‌ای نیست که میزان پرداخت‌ها را افزایش دهیم بلکه باید با ادامه روند موجود طرف یک دو سال شرایط اشتغال و اقتصادی را برای قطع آن آماده کرد.

برنامه دوساله برای بازگشت به ۸۴

کلیدبهای موجود هیچ‌کدام برنامه اقتصادی مشخصی برای کشور ارائه نکرده‌اند و تنها موضوعی که از آن سخن می‌گویند نجات اقتصاد ملی است، اما به صورت مصالقی و مشخص راه‌کارها و سیاست‌ها و برنامه‌ای در این زمینه ارائه نمی‌کنند تا بتوانون آن را ارزیابی کرد. در صورتی که هدف رئیس‌جمهور آینده موارد مطرحه فوق باشد، در ابتدا باید برنامه‌ای دوساله برای گذار از موقعیت فعلی و خروج از شرایط موجود طراحی و اجرا کرد. پس از اجرای دو برنامه بودجه‌ای می‌توان در شرایط و راهی قرار بگیریم که به سمت جایگاه و موقعیتی که در سال ۸۴ داشتیم، حرکت کنیم. در آن برنامه گذار باید سطح نظارت‌پذیری و نظام‌مندی را افزایش داده و پس از آن در راستای سند چشم‌انداز حرکت کنیم.

پرسیده اخبار

فارس: برای جلوگیری از خروج گندم از مرزهای غربی کشور بر اساس تصمیم سازمان توسعه تجارت و ابلاغ گمرک صادرات گندم ممنوع شد.

فارس: مدیرعامل صندوق مهر امام‌رضاع) از موافقت بانک مرکزی با پرداخت تسهیلات ازدواج توسط این صندوق با اعتباری بالغ بر ۵۰۰میلیارد ریال خبر داد.

فارس: با وجود سخنرانی‌های ضدونقیض برخی مسوولان برنج از هشتم بهمن‌ماه ارز مبادله‌ای می‌گیرد و تعرفه واردات آن نیز ۱۲درصد تعیین شده است.